

# ”عوام“ی که خواب ”خواص“ را آشفته کرده است

## در حاشیه اظهارات حسین شریعتمداری در مورد اسماعیل بخشی ثریا شهبابی

حکمتیست  
هفتگی  
۲۴۱

۱۴ ژانویه ۲۰۱۹ - ۲۳ دیمه ۱۳۹۷  
دوشنبه ها منتشر میشود

## شبح یک آلترناتیو

### متمایز

فواد عبداللهمی

یک تمایز اساسی بین ایران امروز با ایران دو سال پیش هست؛ آنهم فاکتور عرض اندام اجتماعی طبقه کارگر بعنوان یک آلترناتیو قدرتمند در عرصه سیاست است.

نفرت تلنبار شده توده های وسیع مردم در طول این ۴۰ سال، می رود که پشت آلترناتیو سوسیالیستی و عدالتخواهانه طبقه کارگر، جمهوری اسلامی و کل بنیادهای حقوقی و قانونی اش را به مصاف بطلبد. خمیره سالها احساس مشترک و عمیق مردم در دشمنی با جمهوری اسلامی، امروز پشت به آلترناتیو طبقه کارگر بسته است.

امروز دیگر کسی در مورد ”خلاء سیاسی“ حرفی نمی زند. سرها به سمت عنصر امید و باور روزافزون به تغییر اساسی و بنیادی در زندگی و حیات توده های میلیونی مردم چرخیده است. پاسخ به اینکه رژیم چگونه باید برود دیگر مجهول نیست. کل بحران جمهوری اسلامی و اپوزیسیون بورژوازی آن از اینجا مایه میگیرد. ریشه در عروج آلترناتیو سوسیالیستی طبقه کارگر در برابر اضمحلال افقها و پرچم هایی دارد که دار و ندارشان را روزی به عطسه سران ”اصلاحات“ و ”اعتدال“ رژیم و روز دیگر به دخالت نظامی آمریکا در ایران و سیاست تحریم گره زده بودند. هیچ راه فراری برای بورژوازی ایران چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون نمانده است که نشان همدیگر دهند؛ ... صفحه ۴

حسین شریعتمداری، از رسوبات عفونی بازمانده دوران هالوکاست اسلامی دهه شصت، سرانجام در عکس العمل به فشار مبارزاتی

کارگران هفت تپه و در راس آنها اسماعیل بخشی، به صدا درآمده است. او صدایی متفاوت از گوشه ای از

”حاکمیت“، به بیرون متقاعد کرده است، اما این بار نه از کرسی ”دوران طلایی“ گذشته،

که از ”چاه ظلمت“ امروز حاکمیت و ایران ”پسا هفت تپه“! صدایی که بیش تر از

آنکه در مورد هفت تپه و اسماعیل بخشی باشد، در مورد خودشان، سران نظام و ارگانها

و مقامات، از بالا ترین تا پایین شان است. او میگوید که (خط تاکید ها از نویسنده):

”داستان دروغین شکنجه اسماعیل بخشی یکی از افراد با زاداشتی ... به خبر برجسته روزنامه های زنجیره ای و

سایتها و شبکه های مجازی و رسانه های بیرونی تبدیل شد! این حجم انبوه از پوشش خبری به ادعای یک با زاداشتی

... تا آنجا پیش رفت که رئیس جمهور دستور رسیدگی صادر کرد! رئیس قوه قضائیه اعلام کرد در صورت صحت این ادعا با متخلف برخورد میشود! فراکسیون امید از

مسئولان وزارت اطلاعات خواست برای بررسی این ادعا به مجلس بیایند! رئیس مجلس با بررسی ادعای

شکنجه اسماعیل بخشی در کمیسیون امنیت ملی موافقت کرد! و... در فاصله ای کوتاه

تمامی دستگاهها و مقامات عالیرتبه نظام برای رسیدگی

به این ادعا صف کشیدند و با شمشیرهای آخته به وزارت اطلاعات و سربازان گمنام امام

زمان - ارواحنا لثراب مقدمه الفداء- تاختند! چرا؟!“

حسین شریعتمداری در مطلب ”کاسه ی که زیر این نیم کاسه بود! کیهان. شریعتمداری.. صفحه ۲

۲۰۰۵ در شهر سلیمانیه کردستان عراق، در زمانی که

شماری از رفقای ما از جمله رحمان حسین زاده در

ماموریت تشکیلاتی در آنجا به سر برده بودند. شورش خراسانه توضیح میدهد که آن

نقشه توسط دفتر سیاسی جریان مزبور طراحی و برای

اجرا به ایشان سپرده شده بود، اما با مخالفت او روبرو

شده و نتیجتا شکست خورده است. ... صفحه ۳

بلوری، نقشه ترور شماری از اعضای رهبری وقت حزب حکمتیست توسط باند عبدالله

مهدتی را افشا کرد. طرح مزبور مربوط است به سال

هفتم دسامبر ۲۰۱۸ یکی از اعضای سابق جریان عبدالله مهدتی به نام ”شورش خراسانه“ در یک برنامه زنده

فیس بوکی با مسئولیت بختیار

### حزب حکمتیست (خط رسمی)

## باند زحمتکشان را باید

## طرده کرد!

درباره یک طرح تروریستی باند عبدالله مهدتی

آزادی برابری حکومت کارگری

”عوام“ی که خواب ...

این بازمانده گردن کلفت “دوران طلایی امام” در ادامه ابراز وجودش، انگشت اتهام و توبیخ به طرف همه مقامات و ارگانهای حاکمیت که زیر فشار کیس هفت تپه و بخشی، “کمر خم کرده اند”، دراز میکند و از آنها طلب و گدایی “شجاعت” و حفظ سنگر “اخلاقیات اسلامی” آن دوران را میکند. او که سعی میکند با برچسب هایی چون “یکی از بازداشتی ها”، “یک ادعا” ابعاد واقعیت تاریخی که خواب شان را آشفته کرده است را بیوشاند، سعی میکند که جایگاه مقامات یکی از سیاه ترین و مخوف ترین حکومتهای قرن را بیادشان بیاورد که چگونه در مقابل این “عوام” کمر خم کرده اند! برای کسانی که هنوز جایگاه و نقش طبقه کارگر در “ایران پسا هفت تپه” را انکار میکنند، اعتراف به جایگاه طبقه کارگر و رهبران کارگری در شکل دادن به امروز و فردای ایران، آنها هم از جانب دشمنان طبقاتی شان در قدرت، از این صریحتر! شریعتمداری دوران “طلایی امام”، امامی که با کتاب “طلایی” حل المسائل، تعیین مقررات اسلامی دخول و خروج به “مبال” با بیوشاند، سعی میکند که جایگاه مقامات یکی از سیاه ترین و مخوف ترین حکومتهای قرن را بیادشان بیاورد که چگونه در مقابل این “عوام” کمر خم کرده اند! برای کسانی که هنوز جایگاه و نقش طبقه کارگر در “ایران پسا هفت تپه” را انکار میکنند، اعتراف به جایگاه طبقه کارگر و رهبران کارگری در شکل دادن به امروز و فردای ایران، آنها هم از جانب دشمنان طبقاتی شان در قدرت، از این صریحتر! شریعتمداری دوران “طلایی امام”، امامی که با کتاب “طلایی” حل المسائل، تعیین مقررات اسلامی دخول و خروج به “مبال” با پای چپ یا راست، در زیر بغل، برای سرکوب طبقه کارگر به مقام “راحل”ی رسید! کسی که توانست یک هالوکاست عظیم اسلامی از خود برجای گذارد! را بیادشان می آورد! تلاش میکند که به آنها اعتماد به نفس بدهد که هنوز میتوان در باد گذشته “مخوف” و “سیاه” اختناق کامل اسلامی خوابید و پارس کرد! آنها هم در روزهایی که بسیاری از همقطاران اش، چون زیبا کلام ها و گنجی ها و نوری زاد ها و خاتمی ها و ... سنگرهای ایدیولوژیک اسلامی را یکی پس از دیگری تخلیه کرده و برای بقا، ژست روزنامه نگار و “پژوهشگر” و “دگراندیش”، استاد دانشگاه و شاعر و نویسنده و کتابخوان و صاحب موسسه “فرهنگی” گرفته اند! در این شرایط میخواهد بار دیگر ورق گذشته را امتحان کند، نه رو به محکومین، که رو به خودشان برای “تشجیع” و حفظ روحیه خودشان!

حسین شریعتمداری تلاش میکند اعتماد به نفس از دست رفته را کمی باز گرداند. او، و همقطاران شان در وزارت اطلاعات و کرسی های قدرت، باید دعا کنند بلکه “سربازان گمنام امام زمان”، به کمک میلیتاریسم در خاورمیانه و بازی های قدرتهای جهانی

با کیس ایران و مهندسی جنگ و تخریب و قوم پرستی و .. به کمک شان بیایند! فعلا این “سربازان گمنام امام زمان”، در اجاره دستجات “بائیات تر” و “ماندنی تر” جنایتکاران در باطلاق خاورمیانه شمشیر میزنند! شانس حسین شریعتمداری و دوستان شان در قدرت برای اجاره کردن این “سربازان” زیاد نیست. این شانس را طبقه کارگر ایران برایشان کم کرده است، به شهادت اعترافات خود شریعتمداری. این تازه آغاز آشفته شدن تاریخی خواب سرتاپای نظام شان است، این بار اما به حکم طبقه کارگر ایران!

## درفردای به قدرت رسیدن ما

× مهمترین امر ما برای اداره جامعه تضمین و تامین حاکمیت مستقیم مردم متکی به شوراهای مردمی است. شوراهایی که مردم، و نه صرفا نخبگان یا تکنوکراتها و...، در آن تصمیم میگیرند، جامعه را اداره میکنند و در یک کلام حاکمیت میکنند. حضور مستقیم مردم در تصمیم گیری در مورد مسائل جامعه، مسائل مربوط به زندگی، رفاه، آزادی و سعادت شهروندان آن جامعه، مهمترین شرط تضمین حاکمیت مردم بر زندگی خود و جامعه است. از این نظر شکل دادن به، تقویت، گسترده تر کردن شوراهای مردمی، که قاعدتا در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و به قدرت رسیدن ما شکل گرفته اند، بعنوان ارگان های حاکمیت مردمی و سپردن قدرت به آنها است.

× دولت کارگری ما بر خلاف دول بورژوایی خود را مسئول تامین رفاه، آزادی و امنیت مردم میداند، برخلاف دول بورژوایی اولویت اول و آخرش رفاه و آزادی و امنیت مردم است. مبنای اقتصاد جامعه سوسیالیستی ما تامین رفاه برای همه است نه کسب سود! به همین دلیل مردم پس از به قدرت رسیدن ما مرفه تر و سعادت مند تر خواهند بود.

× به قدرت رسیدن ما کمونیستها به معنی ایجاد یک جامعه مرفه، آزاد و انسانی و امن است. در ایران تحت حاکمیت ما به روی همه مردم دنیا باز است تا نمونه یک جامعه آزاد و برابر را تحت حاکمیت طبقه کارگر و کمونیستها ببینند و آنرا سرمشق خود قرار دهند.

# نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

باند زحمتکشان ...

علاوه بر این طرح ترور دو نفر دیگر از اعضا رهبری وقت حزب حکمتیست، رفقا صالح سرداری و محمد راستی، در سلیمانیه در سال ۲۰۰۵ افشا و خنثی شد.

افشای این نقشه تروریستی، نکته تازه ای در مورد ماهیت جریان و شخص عبدالله مهتدی نمیگوید. اولین نقشه ترور این باند، علیه رهبری کومه له و شخص ابراهیم علیزاده و تعدادی دیگر از رهبری این سازمان، با هدف یک پاکسازی ضد کمونیستی در این سازمان بود، که آنهم به دلایل مشابهی شکست خورد و بعدها توسط جناح انشعابی از آن جریان افشا شد.

علاوه بر طرحهای تروریستی تابحال افشا شده، کشیدن اسلحه به روی همدیگر، درگیری خونین و سنگرگیری مسلحانه علیه هم در متن اختلافات سیاسی، از ویژگی های این جریان است. ما از ابتدای شکل گیری این باند، ظرفیت جنایتکارانه، تروریستی و باند سیاهی آنرا هشدار دادیم. انتخاب عنوان پرطمطراق "حزب کومه له" برای خود و سوءاستفاده از اعتبار تاریخ فعالیت

کمونیستی در خدمت اهداف ارتجاعی خود، پادویی در دلانهای کنگره امریکا و کاخ های شیوخ عربستان، به رسمیت شناخته شدن به عنوان نیروی سیاسی در میان احزاب ناسیونالیست کرد و قومی، ظاهر و قیافه متمدن و دمکرات و نیروی سیاسی و ... گرفتن و حضور در انواع "اتحادها" و "اتلافهای" ارتجاعی و قومی و ... همه تلاشهایی برای مخفی کردن ماهیت به غایت ارتجاعی و تروریستی شان است.

قومی کردن سیاست، سیاست تقسیم اقشار و طبقات اجتماعی به اقوام، دسته بندی اعضای جامعه برمبنای مناسبات خونی و

قبیله ای و زبانی، و بر این مبنا صدور شناسنامه قومی و قبیله ای برای هر شهر و منطقه و دهکده ای، جزو سیاست رسمی اینها برای فدرالی کردن قدرت و دولت و سیاست در جامعه است. این همان سیاستی است که گروههای تبهکار و جانی در میان ناسیونالیست های قومی یوگوسلامی سابق در پیش گرفته و نتیجتا مردم را در ابعاد اجتماعی به جان هم انداخته و همسایه های بیشماری را توسط همسایه بغل دستی سالیان دراز، به هدف تقسیم بندی قومی و پاکسازی قومی، قتل عام کردند.

ما به دلیل شناخت روشن از ماهیت اینها، به محض تولد این گروه، هشدار دادیم و تلاش کردیم هویت واقعی

جریان مهتدی را به عنوان یک جریان باند سیاهی با ظرفیتهای به غایت ارتجاعی از ترور و آدم ربایی تا هر اقدام بزدلانه دیگری را به جامعه بشناسانیم.

رسم اعلام کردیم جریان عبدالله مهتدی یک گروه راهزن و چاقو کش اند که تنها در دل یک سناریویی سیاه و تحمیل جنگ و استیصال به جامعه به عنوان اجبر دول ارتجاعی میتوانند بکار گرفته شوند و رشد کنند و موی دماغ جامعه شوند. اعلام کردیم که اینها نه یک حزب سیاسی که یک باند قومی و فاشیست های تشنه به خون جامعه و تبهکارانی اند که در صورت توانایی دست

به هر جنایتی میزنند. حزب حکمتیست (خط رسمی) از همه احزاب و گروههای سیاسی و مسئول در قبال جامعه، نه فقط محکوم کردن نقشه های تروریستی آنها و پرهیز از هرگونه رابطه و مناسبات سیاسی با این باند قومی و چاقو کش، بلکه و مهمتر افشا و طرد این جریان باند سیاهی است. این کوچکترین اقدامی است که هر جریان مسئول در قبال آینده سیاست و سرنوشت جامعه میتواند اتخاذ کند.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست(خط رسمی) ۲۸ دسامبر ۲۰۱۸ ۷ دیماه ۱۳۹۷

علاوه بر طرحهای تروریستی تابحال افشا شده، کشیدن اسلحه به روی همدیگر، درگیری خونین و سنگرگیری مسلحانه علیه هم در متن اختلافات سیاسی، از ویژگی های این جریان است. ما از ابتدای شکل گیری این باند، ظرفیت جنایتکارانه، تروریستی و باند سیاهی آنرا هشدار دادیم. انتخاب عنوان پرطمطراق "حزب کومه له" برای خود و سوءاستفاده از اعتبار تاریخ فعالیت

مبارزه ما برای برابری و رفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

مرکز بر جمهوری اسلامی  
زنده باد سوسیالیسم

**نشریه حکمت****حزب حکمتیست (خط رسمی)****www.hekmatist.com**

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistKhatRasmi

**تماس با حزب**

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com



مهلکه استیصال آمیز در مقابل جامعه ای که تلقی اش از پیروزی بر پرچم سوسیالیسم طبقه کارگر حک شده است، ندارد. پرچمی که خطوط زندگی میلیونها انسان پس از جمهوری اسلامی را ترسیم میکند. طبقه کارگر و آترناتیو اش از این به بعد جزو بازیگران اصلی و قدر قدرت در تعیین سیمای سیاسی آتی ایران خواهد بود. صف بندی های استراتژیک حول دو اردوی پایین و بالا، فی لحال تعمیق شده است. نبرد بر سر گرفتن سکان اداره جامعه شروع شده است؛ باید متشکل و متحد به مصادف این دوره رفت.

رهبی رضا پهلوی و به حاشیه خزیدن گزینه قومی - مذهبی کردن جامعه ایران و کردستان به سرکردگی مجاهدین خلق و حزب دمکرات کردستان و امثال کنتراهای الاحواز و جناب عبدالله مهتدی، محصول عروج آترناتیو سوسیالیستی طبقه کارگر در عرصه سیاسی ایران است. تا همینجا، این عقب نشینی به کل بورژوازی ایران از دولت و قوای سه گانه آن تا اپوزیسیون بورژوایی و گانگسترهایی قومی - مذهبی دست بر ماشه، یک برد به تمام معنا برای طبقه کارگر و جامعه ایران است. بطور عینی، مستقل از هر سیاست و تاکتیک و تدبیری از جانب اردوی بورژوازی ایران، حاکمیت و حکومت این طبقه فی الحال راه خروجی از این

شیخ ...

ترس و هراس همه این نیروها ریشه در به اهتزاز درآمدن پاسخ قاطع طبقه کارگر ایران برای خاتمه دادن به حاکمیت و حکومت اقلیت ناچیزی است که به اتکا به خشن ترین سرکوب های سیاسی در تاریخ معاصر سر پا مانده است. اینجا دیگر بحث "اصلاح طلب یا اصولگرا"، "شاه یا شیخ"، "جنگ یا تحریم"، "خشونت یا نافرمانی مدنی"، "اقتصاد دولتی یا خصوصی"، "تمامیت ارضی یا فدرالیسم"، نیست.

بحث بر سر نفس بقاء خود مقوله دولت و ارکانهای آن (با عمامه یا بی عمامه) در ایران است. ته کشیدن گزینه چلپی شدن به کمک بخشهایی از سپاه و ارتش و بسیج به

## کارگران کمونیست! رفقا!

بی تردید تنها طبقه کارگر و کمونیسم اش می تواند اعلام و تضمین کند که خیزش انقلابی عظیمی که در جریان است، فقط برجیدن جمهوری اسلامی را در دستور ندارد، بلکه این خیزش و قیام و انقلاب آتی، تا در هم کوبیدن قطعی حکومت سرمایه و نظام سرمایه داری در ایران، ادامه خواهد داشت.

حذف این رژیم، و خلاصی از جمهوری اسلامی، اولین گام پیروزی و برداشتن مانعی بزرگ بر سر راه مبارزه ضد سرمایه داری و برای آزادی و برابری و حکومت کارگری است.

طبقه کارگر آگاه و کمونیسم اش، باید در صف مقدم و در رهبری و هدایت همه محرومان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق رهایی و خوشبختی قرار گیرد.

ما همه کارگران کمونیست را به پیوستن به حزب کمونیستی خود، حزب حکمتیست (خط رسمی) فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com